

ترامپ پنهان پشت دکترین مونرو

روزنامه صنوج در یادداشتی نوشت: تدوین سند اخیر امنیت ملی آمریکا بار دیگر نام دکترین مونرو و سیاست خارجی آن‌واگراییانه (از نوع خودخواسته) ترامپ را تبدیل به یک گزاره و فرضیه در نگاه رسانه‌های غربی ساخته است. در ماه‌های اخیر، برخی از تحلیلگران آمریکایی و ناظران بین‌المللی از «بارگشت دونالد ترامپ به دکترین مونرو» سخن گفته‌اند؛ دکتریی که از قرن نوزدهم تا امروز یکی از ستون‌های تاریخ سیاست خارجی ایالات متحده به‌شمار می‌آید. دکترین مونرو، در اصل بیانگر نوعی آن‌واگرایی گزینشی و پرهیز از درگیری مستقیم در امور سایر قاره‌ها بود، بر مبنای آن، ایالات متحده تأکید می‌کرد که قاره آمریکا حوزه نفوذ واشینگتن است و در مقابل، واشینگتن نیز از مداخله در دیگر نقاط جهان به‌ویژه در اروپا، خودداری می‌کند، اما خواش ترامپ از این دکترین، در واقع چیزی جز تحلیل‌انزاری از یک میراث تاریخی برای توجیه رفتارهای دو گانه و مداخله گرانه خودش نیست. ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود و حتی در کارزار جدید انتخاباتی، همواره بر شعار «اول آمریکا» و تقلیل هزینه‌های بین‌المللی کشورش تأکید کرده‌است. این شعار در نگاه نخست، رگه‌هایی از اندیشه مونرو را تداعی می‌کند، اما واقعیت میدانی نشان می‌دهد که ترامپ نه‌تنها روند مداخله‌گری ایالات‌متحده را متوقف نکرد، بلکه آن را به شکل ترکیبی از میلیتاریسم، فشار اقتصادی و جنگ تعرفه‌ای بازتعریف کرد. از آسیا تا آمریکای لاتین و از خاورمیانه تا اروپای شرقی، دولت ترامپ با ابزارهای اقتصادی، تحریمی و نظامی، ده‌ها پحران جدید را یا دامن زد یا تداوم بخشید. به‌عنوان نمونه، سیاست فشار حداکثری علیه ایران، خروج از پیمان‌های بین‌المللی در حوزه محیط زیست یا کنترل تسلیحات، افزایش فشار بر چین و روسیه از مسیر جنگ تعرفه‌ای و رقابت تسلیحاتی و همچنین تهدید متحدان اروپایی در ناتو برای افزایش بودجه دفاعی جملگی نشانگر آن است که ترامپ به جای بازگشت به دکترین مونرو، در عمل در پی گسترش نوعی واقع‌گرایی تهاجمی بوده است؛ واقع‌گرایی که در آن منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک آمریکا بر هر اصل یا چارچوب اخلاقی و نهادی غلبه دارد.

باز یکران نمایش فریب

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: تنها دو هفته از روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ در آمریکا می‌گذشت که بنیامین نتانیاهو نخستین مهمان رئیس‌جمهور جدید آمریکا در کاخ سفید شد و با او دیدار کرد. ترامپ در دیدار با نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی گفت دوست دارد با ایران به توافق بزرگ و خوب برسد، می‌خواهد ایران پیشرفت کند و برای دیدار با رئیس‌جمهور ایران نیز اعلام آمادگی کرد. اما پشت این نمایش اختلاف و دیپلماسی واقعیتی دیگر جریان داشت. روزنامه «واشینگتن‌پست» طی گزارشی در آخرین روزهای هفته گذشته فاش کرد که نتانیاهو و ترامپ، پس از اولین دیدارشان «برنامه‌ریزی برای حمله به برنامه هسته‌ای ایران را آغاز و یک برنامه فریب دقیق تدوین کردند.» همان زمان پیگاه خبری-تحلیلی المانیوتر گزارشی قابل توجه منتشر کرد و نوشت: «ترامپ و نتانیاهو در مورد ایران تفاهم کامل دارند.» این پیگاه خبری حتی زمان حمله به ایران را هم به صورت تقریبی مشخص کرده بود. به رغم همه این شواهد و مستندات، یک «نمایش فریب» در حال اجرا بود؛ نمایشی که در آن اختلاف میان آمریکا و اسرائیل در موضوع ایران را برجسته می‌کرد، مذاکرات ایران و آمریکا را امیدبخش و یک توافق خوب را در سرتاسر نشان می‌داد. این نمایش تا آخرین روزهای منتهی به جنگ ۱۲ روزه ادامه داشت. نویسنده اضافه کرده است: نمایش فریبی که در آن سوری مرزا توسط ترامپ و نتانیاهو کارگردانی می‌شد، بازیگرانی در داخل ایران هم داشت. شناسایی بازیگران داخلی این نمایش فریب چندان سخت نیست، فقط کافی است نگاهی به رسانه‌های آنها و نحوه پوشش این اخبار توسط آنها ببیند.اید.

اسرائیل، ترکیه و پرونده‌های پرتعداد

روزنامه ایران در شماره دیروز خود نوشت: رسانه‌های عبری از احتمال دیدار سه‌جانبه میان نتانیاهو و نخست‌وزیر یونان و رئیس‌جمهوری قبرس در هفته اول دی ماه خبر داده‌اند. این اتفاق در کنار خبرهای دیگر در روزهای گذشته، حساسی‌ای ترکیه‌ای را حساس کرده است و دیگر اقدامات نتانیاهو را تشدید تنش و اختلافات میان آنکارا و تل‌آویو می‌دانند. در اخبار عبری فاش شده است که اخیراً مقامات ارشد نظامی و امنیتی سه بازیگری که نقطه‌اشتراک‌شان اختلاف‌شان با ترکیه است، یعنی اسرائیل، یونان و قبرس بهم دیدار داشته‌اند و در حال بررسی تشکیل یک نیروی واکنش سریع مشترک هستند. این اقدامات نشان می‌دهد علاوه بر اختلافات پیشین میان اسرائیل و ترکیه، نگرانی‌های جدید و فزاینده‌ای در نیروی هوایی اسرائیل در مورد گسترش توان ترکیه، به ویژه در مورد بسته شدن مسیرهای پرآزای در شمال و شرق مدیترانه و همچنین ترس از اینکه ترکیه سیستم‌های رادار و پدافند هوایی را در سوریه مستقر کند و سعی در محدود کردن آزادی حرکت نیروی هوایی اسرائیل داشته باشد، وجود دارد. نویسنده اضافه کرده است: رفتار و موضع‌گیری‌های شخصیت‌های اسرائیلی نشان می‌دهد که یک دیوار نگرانی و عدم اعتماد جدی‌ای میان آنها با حاکمیت‌های ترکیه و سوریه کنونی وجود دارد و به رغم تعامل برای مذاکره، همکاری و امضای توافقات با ترکیه‌ا و سوری‌ها اما از مسیر قدرت و تشدید فشار به دنبال این مسئله‌اند. این شرایط می‌تواند فرصتی برای تهران باشد.

به هنگام سختی مشو ناامید!

روزنامه جام‌جم در یادداشتی با بیان اینکه دوران‌دیشی و تدابیر لازم برای عبور از فرازوفروده‌های پیش‌رو، هم از وظایف مدیریت است و هم رهبری و البته برای رهبری لازم‌تر، نوشت: بر همین اساس رهبر فرزانه انقلاب، بر خلاف اظهارات برخی چهره‌های سیاسی ناگاه یا مغرض، از حدود ۱۵ سال پیش، اولویت جهت‌گیری‌های کشور را «اقتصاد» تشخیص دادند و از آن موقع تاکنون بر همین حوزه تمرکز کرده‌اند. این نکته نیز نباید مغفول بماند که طی ۱۵ سال گذشته، دهه ۹۰ با پایین‌ترین رشد اقتصادی، ناکارآمدترین دوره را به خود اختصاص داد و عنوان «دهه سوخته» را به نام خود ثبت نمود و اگر آن بی‌توجهی‌ها به ظرفیت‌های داخلی و دل‌بستن به رگه‌شایی غرب نبود، امروز مردم این مقدار بحث فشار نبودند چراکه وقتی چرخ‌های اقتصاد از حرکت بازمی‌مانند، گردش دوباره آنها به‌راحتی میسرور نیست، هر چند شهید رئیس‌ی با تلاش خستگی‌ناپذیر و اخلاص خود موفق شد حرکت دیوارهای بی‌بندشد و رشد اقتصادی تقریباً به‌وقف شده دهه ۹۰ را به حدود ۴۰ درصد برساند. نویسنده اضافه کرده است: البته تجربه نشان داده این شرایط نیز تغییر نخواهد کرد و با همت و تدبیر و همدلی می‌توان از آن عبور کرد، به‌ویژه با توجه به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشور در حوزه‌های مختلف. امروز دشمن بابه کارگیری همه ظرفیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای خود و دنباله‌های داخلی‌اش تلاش می‌کند تا اولاً وضعیت کنونی را تماماً تیرموتار تصویرسازی کند و پیشرفت‌های گوناگون علمی، عمرانی، دفاعی-امنیتی و... را نادیده بگیرد، ثانیاً شش فشارها و کارشکنی‌های خارجی را مغفول بگذارد و همه مشکلات را نتیجه ناکارآمدی و سیاست‌های غلط بازمنشی کرد و ثالثاً شرایط دشوار کنونی را پایان محتم و خلاصی‌ناپذیر نشان دهد. در مقابل این هجوم سنگین، بی‌سابقه و هدفمند برای ایجاد آشوب، هم اقدامات عملی دولت‌مردان باید آهنگ متفاوتی پیدا کند و هم لازم‌ات اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی، آرایش دیگری بگیرد.

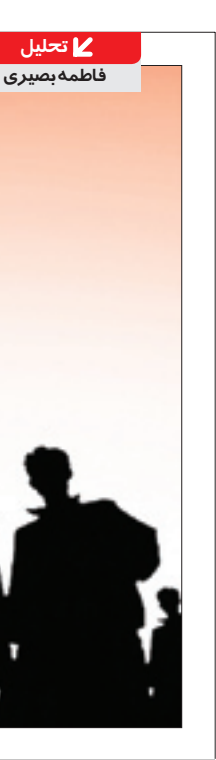


| روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۲ |

| دوشنبه اول دی ۱۴۰۴ | اول رجب ۱۴۴۷ |

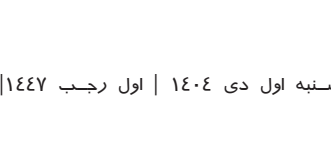
سرویس سیاسی، ۰۹/۰۵/۸۵۲۳۰۰

سرگوب همیار صهیونیست‌ها در جنگ ۱۲ روزه



امریکا و رژیم‌صهیونیستی هم‌زمان با آغاز جنگ علیه ایران، جبهه در گیری دیگری را برای تمرکززدایی از نیروهای نظامی کلید زدند و کانون‌های شورش و تروریستی را برای تکمیل خطوط حمله به ایران احیا کردند. تحرکات گروهک‌های مسلح از سمت شرق و غرب کشور به همراه تحرکات پایهای گروه‌های آشوب‌طلب و برانداز نشان می‌داد ایران میدان منازعه با جبهه آمریکایی- صهیونی را در قالب جنگ ترکیبی فشرده در لایه‌های مختلفی اداره می‌کند. به موازات اقدامات آفندی و موشکی علیه سرزمین‌های اشغالی و آمریکا، نیروهای امنیتی و انتظامی در داخل هم در حال خنثی‌سازی فتنه‌های عناصر وابسته مانند گروهک‌های مسلح بودند. اما مساحوچ مقابله با تروریست‌ها بعد از توقف جنگ و شکست آمریکا مسیری تازه به خود گرفت و وارد فاز تشدید عملیات شد، زیرا اجبار به توقف جنگ و نقص در برنامه جنگ علیه ایران، آمریکا را وادار کرد جنگ را در کانال عملیات‌های تروریستی و شورش‌ی دنبال کند. این عملیات با هدف ایجاد ناامنی و ناآرامی فراگیر در داخل، تلاش دارد برنامه تجزیه ایران را در چارچوب طرح کنونی خاورمیانه جدید رژیم‌صهیونیستی اجرایی کند؛ طرحی که با تغییرات هندسی عمیق در

جغرافیای منطقه درصدد تضعیف دولت‌های مرکزی و تحمیل هژمون صهیونیسم بر غرب است؛ تأسیسات از این رو اقدامات بازدارنده ایران در مقابل تروریست‌های منطقه که با هزینه کردهای پ.ک.ک، در فعال‌سازی مجدد این گروهک نقش داشته‌اند. با توجه به برنامه‌ریزی مشخص می‌گیرد، تنها به نفع ایران نیست و سپر تدافعی برای سایر کشورهای منطقه نیز به شمار می‌آید. اگر چه اغلب دولت‌های منطقه به دلیل فقدان راهبرد مستقل برای حفظ امنیت و ثبات و وابستگی‌های عمیق سیاسی به کاخ سفید، از درک این واقعیت عاجزند اما نتایج موفقیت‌های انکارناپذیر قوای نظامی ایران نمی‌تواند مانع اقرار آنها به پیروزی میدانی ایران شود. به عنوان نمونه، تجزیه برخلاف انتظار آنها پیش رفت و ایران با عملیات‌های نظامی تلفات سنگینی به این گروه وارد کرد. به گفته وی، این رویدادها به شناخت دقیق‌تر ایران از ماهیت پژاک منجر شد. گروهک تجزیه ایران را در دو سال وقفه، از اواخر تیرماه با انجام سه حمله در پنج روز علیه مرزبانان ایران، فعالیت‌های تروریستی خود را از



| دوشنبه اول دی ۱۴۰۴ | اول رجب ۱۴۴۷ |

سرویس سیاسی، ۰۹/۰۵/۸۵۲۳۰۰

سرگوب همیار صهیونیست‌ها در جنگ ۱۲ روزه

پول‌پاشی، تحریک افکار عمومی، ایجاد نارضایتی و بی‌اعتمادی، سازماندهی تجمعات صنفی، اعتراضات موردی و فضاسازی گسترده در فضای مجازی با هدف اثرگذاری بر بافت اجتماعی تلاش داشتند هدف محوری براندازی و تجزیه ایران را پیش ببرند. این گروهک‌ها از سوی سرویس‌های اطلاعاتی و نیروهای دفاعی و امنیتی، تهدیدات گسترده‌ای را در داخل کشور و همچنین در مرزها خنثی کرد و به پیروزی میدانی ایران هم‌صالت داد. از جمله این موفقیت‌های می‌توان به شناسایی و انهدام شبکه‌های تروریستی، کشف و ضبط سلاح و مواد انفجاری، خنثی‌سازی برنامه‌های عملیاتی گروهک‌ها در مرزهای شرقی و غربی و دستگیری عوامل خرابکار در سطح کشور اشاره کرد، همچنین اقدامات پیشگیرانه در برابر تحرکات تجزیه‌طلبانه و افراطی از دیگر دستاوردهای مهم ایران در حفظ امنیت ملی بوده است.

بر همین اساس، می‌توان مقابله با تلاش‌های دشمن برای نفوذ و بی‌ثبات‌سازی در داخل و مرزها را میدان دوم عملیات نظامی-اطلاعاتی ایران بعد از جنگ مستقیم با رژیم‌صهیونیستی و آمریکا تلقی کرد، از این رو پیروزی به موفقیت ایران در تمام جبهه‌های جنگ ترکیبی و نظامی اطلاق می‌شود و به همان نسبت هم شکست برای دشمنان یک شکست چند وجهی خواهد بود، اما از آنجا که تحرکات گروهک‌های تروریستی نشان می‌دهد آنها با حمایت و تغذیه مستمر آمریکا و اسرائیل در تلاش هستند تا کامی در جنگ ۱۲ روزه را با اقدامات خرابکارانه و کلید زدن ناآرامی و بی‌ثباتی در داخل جریان و از این طریق برای راهبردی خود را دنبال کنند، از این رو پیروزی نسبی ایران در برابر اقدامات آنها، نیازمند اهتمام و برنامه‌ریزی دراز مدت و مقابله برون‌مرزی با دشمنان و همانطور که ایران با همکاری دولت‌های پاکستان و عراق در سال‌های گذشته توانست مقرها و پایگاه‌های اصلی این گروهک‌ها را منهدم کند. علاوه بر این، می‌توان زمینه‌های مشارکت دیگر کشورهای منطقه را برای خرابکاری و مؤثر با این گروه‌ها فراهم کرد. مقابله با این پدیده نیازمند همکاری منطقه‌ای منسجم است. تجزیه‌یات جنگ ۱۲ روزه نشان داد در برخورد با تروریسم، اقدام پیش‌دستانه و ابتکاری مانند مشارکت دادن دیگر کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هم‌اکنون نیز هماهنگی و همکاری دستگاه‌های سیاست خارجی و نیروهای نظامی و امنیتی می‌تواند به صورت یک راهبرد پایدار و بلندمدت برای مقابله با تهدیدات آنها از خارج از کشور تداوم یابد.

از سوی دیگر دشمن در این جنگ ترکیبی، با تحریک و بسیج نیروهای تکفیری و داعشی از سوره و اعزام آنها به سمت ایران و مناطق جنوب شرقی تلاش می‌کرد از طریق ترور، خرابکاری و سایر اقدامات تخریبی، ناامنی در کشور ایجاد کند. بنا بر داده‌های موجود، شبکه‌سازی‌های متعدد با کمک پول‌های مختلف و رمز ارزها در کشور با پشتیبانی حملات سایبری گسترده تلاش داشت در شمال غرب، جنوب شرق و در عقب کشور حوادثی را برای آزارم کردن رقم بزند یا بتواند سرزمینی را به اشغال دریاورد. هم‌زمان در داخل نیز دشمنان با برنامه‌ریزی برای ورود اتبوه سلاح و اجرای سنسار یوهای مختلف در گیری مسلسلانه، از ابزارهایی مانند

خون‌بهای مقاومت برای بیداری افکار عمومی

اطلاع‌رسانی آن دوره و نیز سانسور شدید خبری، توانست روی دیگر چهره تمدن را نمایان سازد و وجدان خفته برخی از غریبان را نسبت به آنچه از سوی حکام آنها صورت می‌گرفت، آشنا سازد. همان‌گونه که مقاومت الجزایر در میانه قرن بیستم پرده از چهره واقعی استعمار تمدن‌نما برداشت، امروزه مقاومت مردم غزه، همان نقش را در برابر استعمار نوین ایفا می‌کند. وقایع این روزهای غزه و جنایت‌هایی که رژیم غاصب صهیونیستی در فلسطین مرتکب می‌شود، یادآور همان خوی ددمنشانه استعمار غربی و تاریخ سیاه ملل استعمارزده است؛ تسخعات جدید از تمدن غرب استعمارگر، به‌روزسانی‌شده با آخرین فناوری‌های روز دنیا و سلاح‌هایی به مراتب پیشرفته‌تر و کشنده‌تر. همانطور که امام موسی صدر بیان می‌کرد، اسرائیل محصول تمدن غرب است. او معتقد بود، این رژیم از ابتدای تأسیس، مورد حمایت کشورهای غربی بوده و به نوعی در میان کشورهای منطقه ایجاد شده است تا در راستای تاریخ آکنده از حمایت‌های همه‌جانبه غرب از اسرائیل است؛ از کمک تسلیحاتی آمریکا به اسرائیل در جنگ ۱۹۷۳م با کشورهای عربی که در بیش از ۵۰۰ هزار، طس‌یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های لجستیکی هوایی، حجم عظیمی از تسلیحات شامل تانک، توپخانه و سایر مهمات و تجهیزات نظامی از آمریکا به اسرائیل منتقل شد تا اهداف خون‌نمادین فرمانده نیروی هوایی آلمان به صهیونیست‌ها در جنگ اخیر غزه، همگی حکایت از رویکرد نظام‌مند و همه‌جانبه غرب در حمایت از رژیم‌صهیونیستی و تثبیت جایگاه آن در منطقه دارد، اما اکنون پس از گذشت بیش از دو سال از واقعه طوفان‌الاقصی، پوسته و ظاهر این اقدامات حمایتی در حال ترک برداشتن است. با وجود تلاش سردمداران و صاحبان صهیونیست اغلب رسانه‌های بزرگ جهانی، فجایع رژیم‌صهیونیستی در قبال مردم مظلوم غزه موجب شد حکومتی این جنایت جنبدی‌ای جهانی پیدا کند؛ حکومت‌هایی که برخی از آنها نادر و تاکنون بی‌سابقه بوده‌اند. تظاهرات بی‌سابقه شهروندان اروپایی علیه اسرائیل مخصوصاً در لندن، رأی انگلستان و فرانسه به قطعنامه انتقادی نسبت به اسرائیل در شورای امنیت برای اولین بار، بیانیه مشترک سه کشور فرانسه، انگلستان و کانادا در حمایت اقدامات اسرائیل در غزه، بازنگری اتحادیه اروپا در توافق مشارکت با اسرائیل، تحریم یا تهدید به تحریم تسلیحاتی و اقتصاد از سوی کشورهای اروپایی، قطع رابطه با تعلیق روابط با اسرائیل یا فراخوانی سفیر، مخصوصاً در کشورهای آمریکای جنوبی، حکومتی اسرائیل در پرونده پیشنهادهی آفریقای جنوبی در دیوان بین‌المللی دادگستری و درخواست



جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

تحرکات دشمن را زیر نظر داریم

جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، رژیم‌صهیونیستی را رژیمی کاملاً تنها و منزوی توصیف کرد و با بیان اینکه تلاش‌های ناامیدانسه‌ای برای نجات خویش انجام می‌دهد، گفت: ما تمام تحولات را از نزدیک رصد می‌کنیم و زیر نظر داریم و همه مسائل به‌صورت دقیق بررسی می‌شود. سردار احمد وحیدی در گفت‌وگو با شبکه المیادین درباره سفر قریب‌الوقوع «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم اسرائیل به ایالات متحده و تهدیدات مکرر این رژیم علیه ایران اظهارداشت: «رژیم اسرائیل با مشکلات عظیمی مواجه است و این امر برای همه آشکار شده است.»

وی با بیان اینکه «این رژیم هیچ‌یک از اهداف خود را در جنگ علیه ایران محقق نکرد»، افزود: «تهران تمامی تحولات را از نزدیک رصد می‌کند و همه مسائل را با دقت زیر نظر دارد.»

جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح همچنین گفت: «رژیم اسرائیل تلاش می‌کند تصویری متفاوت از واقعیت نشان دهد و ضعف خود را پنهان کند و این اقدام از طریق جنگ رسانه‌ای و روانی علیه ایران صورت می‌گیرد.»

وی با اشاره به شکست‌های اخیر رژیم‌صهیونیستی اظهار داشت: «رژیم اسرائیل تلاش دارد با تهدیدات و تحرکات اخیر، شکست سنگینی را که در جنگ ۱۲ روزه متحمل شد، پنهان کند.»

سردار وحیدی با بیان اینکه ادعاها و تبلیغات اسرائیل هیچ دستاوردی برای این رژیم به همراه نخواهد داشت، افزود: امروز رژیم اسرائیل تنها و منزوی است و در تلاش‌های پیبوده برای نجات خود دست‌وپا می‌زند.

المیادین افزوده است: پیش‌تر نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرده بود که ارتش رژیم اسرائیل تنها موفق به نابودی کمتر از ۳ درصد سکوی‌های پرآب موشک ایران شده است و توان موشکی جمهوری اسلامی ایران همچنان فعال و آماده عملیات باقی مانده است.

درباره یک کلاه فرهنکی

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۸۱ خود نوشته است: بخش‌هایی از بیانات اخیر رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای استان البرز را می‌توان یک اظهارنامه و خط‌کش برای اقدام فرهنگی تعریف کرد.

می‌توان این معیارها را در کنار عملکرد نهادهای متعدد و ریزودشت فرهنگی قرار داد. عملکرد آنها را اندازه‌گیری کرد و به آنها نمره داد. نخست این اقدام و عمل و کنش فرهنگی به خصوص در حیطه ارزش‌های انقلاب باید هنرمندانه و مطابق ارزش‌ها و معیارهای هنری باشد. ترجمه این دیدگاه روی زمین یعنی اینکه صرف داشتن دغدغه ارزش‌های دینی و انقلابی، باعث ارزشمند شدن یک اقدام یا محصول فرهنگی نمی‌شود.

محتوا و مضمون ارزشمند باید با فرم استاندارد هنری و فرهنگی هم‌نشین شود تا بتوان از احتمال تأثیر روی مخاطب سخن گفت. فارغ از اقدامات شخصی و فردی و غیرعمومی اما هر اقدام و عملی که در بودجه عمومی و دولتی و حاکمیتی استفاده می‌کند در مقام تولید باید از حداقل‌های استانداردهای هنری و فرهنگی برخوردار باشد.

این زیست‌بوم، زیست‌بومی نیست که به صرف نیت و دغدغه بتوان درباره خروجی کارها و اقدامات هم قضاوت کرد. خروجی باید از نظر استاندارد هنری و فرهنگی هم نمره قبولی بگیرد. قرار نیست مضمون ارزشمند، پوششی شود برای ملزمت نبودن و بی‌توجهی به قواعد، افاتی که بسیاری از نهادهای فرهنگی و هنری وابسته به بودجه عمومی به آن مبتلایند.

قرار نیست مضمون ارزشمند، دوبینی‌گی باشد برای بر کردن گزارش کارهای مدیریتی و سازمانی و نهادی و باجی برای بستن دهان منتقدان. قرار نیست مضمون ارزشمند، بهانه‌ای شود برای پر کردن بیلان کاری!

دو دیگر آنکه نهادهای و مراکز عمومی و دولتی و حاکمیتی فرهنگ و هنر نباید تصور کنند به صرف تولید و طی فرایند ایده تا محصول، وظیفه و مأموریت‌شان را انجام داده‌اند. نهاد فرهنگ پس از به نتیجه رساندن ایده و تبدیل مضمون ارزشمند به یک محصول استاندارد فرهنگی و هنری باید به‌مانند دیگر بنگاه‌ها در پی اتصال محصول تولیدشده به مخاطب و مصرف‌کننده آن باشند. بنگاه فرهنگی و هنری قرار نیست صرفاً یک ایده را به محصول تبدیل کرده و سپس در فضا رها کند. محصول تولیدشده به‌مانند کالای خط تولید است که پس از تولید باید به دست مخاطب هدف برسد. در این آفت هم، نهادهای حاکمیتی و دولتی فرهنگی و هنری به‌مانند دیگر بنگاه‌های دولتی شریکند. گویی وظیفه و هدف صرفاً تولید محصول و کالایی بوده و رها کردنش در فضای جامعه بی‌آنکه اساس مسئولیت و پیگیری و دغدغه رسیدن به مخاطب باشد. از این منظر هم می‌توان عملکرد نهادهای و مراکز فرهنگی را ارزیابی کرد؛ جنسی از ارزیابی که مشخص خواهد کرد نهاد و مرکز و بنگاه مربوطه نسبت به تولیداتش تعصب دارد یا آنکه صرفاً تولیدی انجام شده برای رفع تکلیف!

در نهایت آنکه اثر و عمل و اقدام و کنش فرهنگی و هنری به غایت تأثیر و تقویت یک ایده تولید می‌شوند؛ تولید می‌شوند که نگاه و موضعی را نسبت به یک ایده به گونه‌ای هنرمندانه و عمیق تقویت کنند یا نگاه و نظری را نسبت به یک موضوع تغییر دهند؛ تولیداتی که اصولاً تولید می‌شوند. آنچه مایه موفقیت یک عمل و کنش فرهنگی و هنری است، تأثیرگذاری بر مخاطب است.

سه معیار و خط‌کش فوق می‌توان مانیفست و اظهارنامه و معیار ارزیابی هر عمل و کنش فرهنگی و هنری حاکمیتی و دولتی دانست. با لحاظ کردن این موارد حالا باید بهتر بتوان گلابه اخیر رهبر انقلاب از عملکرد دستگاه‌های فرهنگی و هنری کشور را فهم کرد: «رفتاری که انسان از بعضی از دستگاه‌های فرهنگی و بعضی از دستگاه‌های مسئول و کسانی که باید به فکر این چیزها باشند می‌بیند، این را نشان نمی‌دهد، یعنی واقعاً اینکه ما این مفاهیم والا را، این ارزش‌ها را به نسل جوان منتقل کنیم، نمی‌بینیم و در خیلی از موارد مشاهده نمی‌کنیم.» ۱۴۰۴/۹/۲۴